



نگارگری و حامیان صفوی

بررسی تحولات دوره گذار از مکتب

قزوین به مکتب اصفهان

آنتونی ولش

ترجمه‌ی: روح‌الله رجبی

فرهنگستان هنر

کتاب تألیفی محققانه درباره‌ی زندگی و آثار دو هنرمند شهیر ایرانی است که کمتر به بررسی احوال و آثار ایشان پرداخته شده است. اهمیت این تحقیق معطوف به شناخت هر چه بیشتر دوره‌ی گذار بین مکتب شکوفای تبریز و قزوین تا مکتب اصفهان است. شناخت این دوره و تحولات آن می‌تواند دلایل پیدایش مکتب اصفهان و چگونگی آن را مشخص کند.

مستندات تاریخی، به خصوص گزارش‌های صادقی‌بیگ، قاضی احمد و اسکندر منشی و همچنین رساله‌های آموزشی دیگر، منابع مفیدی بوده‌اند که نویسنده توانسته به وسیله‌ی آنها مقایسه‌هایی بین آثار صادقی و سیاوش انجام دهد.

با اینکه کتاب به طور عمده به دوره‌ی گذار تا پیدایش مکتب اصفهان پرداخته است؛ اما اطلاعات مفیدی درباره‌ی صدر دوره‌ی اصفهان و به خصوص ظهور نابغه‌ی این دوره، یعنی رضا عباسی به دست می‌دهد. گرچه عصر تیموری و صفوی به عنوان دو دوره شاخص از هنر نگارگری ایران، از لحاظ حامیان این هنر شریف شهرت دارد، اما شناسایی و معرفی چگونگی حمایت شاهان و شاهزادگان صفوی در این کتاب، دقت نظر مؤلف را نسبت به این مقوله می‌رساند. حامیان دیگری همچون سران تاجیک و قزلباش و حامیان محلی نیز در این کتاب معرفی می‌شوند.

یکی از ویژگی‌های این دوره، پیدایش «هنرمندان آزاد» است که گه‌گاه بدون حمایت حامیان سلطنتی به ایجاد آثار هنری پرداخته و نسخه‌ها یا مرقعاتی را به وجود آورده‌اند. چگونگی عملکرد ایشان در خلال این کتاب تحقیق و بررسی شده است.

اثر حاضر ترجمه‌ی کتاب Artist for the shah تألیف آنتونی ولش است که با عنوان نگارگری و حامیان صفوی در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است. علت تغییر نام فارسی کتاب آن بوده است که نویسنده تجربه‌های هنری و رنج مقدسی را که هنرمندان شهیر ایرانی برای دستیابی به ظاهر و باطن این هنر شریف بردانند، در نظر نگرفته و در پس تحولات و تطورات سیاسی چنین انگاشته است که ذوق زیبایی‌شناسی شاهان و امیران محور انگیزه‌ها و تجربیات هنری هنرمندان ایران بوده است. از این رو ایشان را هنرمندانی در خدمت شاه دانسته و گاهی با الفاظی که شایسته‌ی مقام هنرمندان نیست، از آنها نام برده که البته چنین جملاتی در ترجمه‌ی کتاب حذف گردیده است.

آنچه مسلم است، هنر نگارگری نه همچون معماری و هنرهای صناعی است که مورد نیاز روزمره‌ی مردم باشد و همگان پرداخت هزینه‌ی آن را تقبل کنند، نه همچون خوشنویسی که قاطبه‌ی اهل علم برای ترویج علم به این هنر نیازمندند و نه همچون موسیقی که با ابزاری ساده قابل تحقق و دستیابی است، بلکه هنری است که با همه‌ی عظمت هنری و علوم پیچیده‌اش نیازمند مواد و مصالحی است که جز در کارگاه‌های سلطنتی حاصل نمی‌شد و همین وابستگی بود که مشکلات فراوانی را نیز برای این گروه از هنرمندان به وجود می‌آورد.

نگارگری اسلامی ایران که ریشه در تفکر دل آگاهانه‌ی عرفانی اسلام دارد، تصویری از ملکوت وجود آدمی و مسکن و ماوای حقیقی او را در جلوه‌های محسوس و مأنوسی می‌نمایاند که هم ظاهری آشنا و بی‌پرده و هم باطنی آشنای همه زمان‌ها دارد و جلودانگی خویش را که در این سنت حسنه است، پاس می‌دارد.

نکته‌ی دیگر، عدم امضای هنرمندان نگارگر است که نویسنده، آن را عرض ارادت به درگاه ملوکانه دانسته و انحلال شخصیت ایشان را در وجود شاهان معرفی می‌کند، در حالی که عدم امضای هنرمندان به دلیل ابراز ارادت به پیشگاه معبود بوده؛ زیرا ایشان هنر را موهبتی از سوی حق می‌دانستند و اگر مجبور به امضا بودند، با عناوینی همچون رقم کمتر بنده درگاه یا رقم کمترین یا العبد یا با سجهایی زیبا، تعلق خاطر و اثر هنری خویش را مرهون ارادت به پیشگاه بزرگان دین می‌دانستند.

در ترجمه‌ی کتاب سعی شده است مستندات که نویسنده مطرح کرده، عیناً از منابع اصلی نقل و ارجاع به همان منابع داده شود. همچنین برای اطلاعات بیشتر، از کتاب‌ها و منابعی که محققان شهیر ایرانی نگاشته‌اند، استفاده شده است.

ولش در بخشی از مقدمه‌ی خود بر این کتاب می‌نویسد: نقاشی یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین سنت‌های فرهنگ ایرانی و نیز یکی از انواع هنرهای ایرانی در جهان کنونی است که بیشتر مورد ستایش واقع شده است؛ اما هم آگاهی‌های عمومی و هم تحقیقات علمی نشان می‌دهند که نقاشی ایرانی قبل از هنر نقاشی در اروپا به وجود آمده است. از این رو بررسی نظام‌مند گسترش نقاشی ایران به تحقیقات دانشمندان درباره نقاشی اروپایی کمک می‌کند و همچنین باید تاریخی دقیق از هنر نقاشی در ایران نوشته شود؛ با این حال کارهای شایسته‌ای در این باره انجام شده، کتاب‌های ارزشمندی نیز به چاپ رسیده، نمایشگاه‌های زیبایی برپا شده، فهرست‌های کاملی تهیه و مقالات جالبی نوشته شده است. اما این کتاب، عظمت هنر ایران را در قلمرویی وسیع‌تر نشان می‌دهد و بنیادی برای مطالعات بعدی ایجاد می‌کند.

در اینجا تلاش شده بر مبنای کارهای پیشینی که بسیاری از دانشمندان در این زمینه انجام داده‌اند، دوره‌ای از تاریخ نقاشی ایران به تفصیل بررسی شود، در نتیجه ناچار بر نقاشان و حامیان اصلی این دوره تمرکز شده تا هم زندگی این اشخاص و هم ساختار اجتماعی خاصی که این اشخاص در آن کار می‌کردند بازسازی شود؛ این دوران که از مرگ شاه تهماسب در سال ۹۵۴ ق / ۱۵۴۷ م تا انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان در سال ۱۰۰۶ ق / ۱۵۹۸ م است، دورانی سرنوشت‌ساز در دگرگونی نقاشی ایران به شمار می‌آید که خود بررسی دقیقی را ایجاب می‌کند. این دوره همچنین دوره‌ی شکوفایی ادبیات و هنرهای بصری است که این ویژگی نیز مطالعه‌ی دقیق و جدی نقاشان و حامیان خاص این دوره را ممکن می‌سازد.